

Hidden love can't be concealed

UPLOADER:

Elik

TRANSLATOR:

Alia

EDITOR:

Touka chan&Gin

DIRECTOR:

Dahlia

ارائه شده توسط تیم ترجمه و ادیت
آشویی سکای

A

L

A


S

K

A



اگه پاڙ هم
قبول نڪنن
چي ڪار ڪنم؟



خونه رو مي زني
به اسم ڙي ڙي؟

بله.

بابا،

مسخره ش
نمي ڪني؟



داره در مورد موقعیت اجتماعی
خانواده‌ش حرف می‌زنه.

از کی قاحلا به
اوضاع اجتماعی
اهمیت میدین؟

مسئله این
نیست.

پس مسئله
چییه؟

مامان، خوب گوش کن.
این پسره دو آن جاشو با
اون فسقلی خوب رفتار
می‌کنه و بدبختم نیست.
دیگه چیزی نیست
براش غر بزنین.

بیا اینجا
بینیم!

...

می‌خوای برای ژری ژری
خونه بخری اونم وقتی
که هنوز باهم نامزد
هم نکردین؟

اگه بعد یکی
دوسال بهم
بزنین چی؟



خب اون موقع دلیلی
نداره من خونه رو
نگه دارم. احتمالا
خونه رو میدم به
خودش.




پسر م،

هیچ کس برای یه
رابطه انقدر پول خرج
نمی کنه. هرکس بفهمه
فکر می کنه داریم
سرکیسه ت می کنیم.

آقا...

باید خونه رو
برای خودت
بخری.





این پولیه که کلی بر اش
زحمت کشیدی. راستش
رو بخوای، من و مامان
ژی ژی خیلی به این
چیزها اهمیت نمی‌دیم.

فقط به خاطر این نگران
وضعیت خانوادگیت بودیم،
چون می‌ترسیدیم ژی ژی
آسیب ببینه.

ولی اگه بتونی از اش
مراقبت کنی دیگه
چیزی نمی‌خوایم.

می‌دونم برات سخت بوده،
ولی تقصیر تو نبوده. لازم
نیست به خاطر اون از
هر چی داری، بگذری.

ما لجزاز نیستیم.
حتی آه یان هم فکر
می‌کنه خیلی بهت
سخت می‌گیریم.



مطمئنم از امشب
سر قول‌هات هستی.

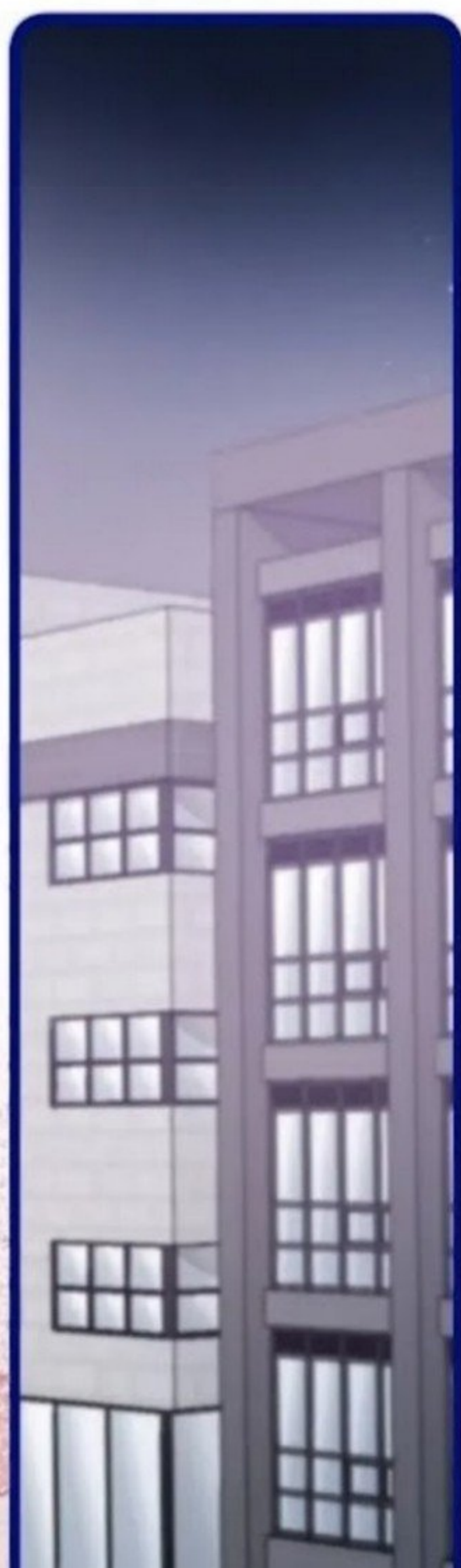


بعداً،

هر وقت سرت
خلوت بود بیا
اینجا شام
بخوریم.



چشم!





خوابگاه
نیستی؟



آره، خونه
تو می مونم.

فردا صبح کلاس
ندارم، پس تا ظهر
راحت می خوابم.

امروز خیلی
خوشتیپ شدم.



برای چیه؟

خیلی
خوشحالم.

امروز به سر به
مامان بابات زدم.
دیگه باهامون
مخالف نیستن.

هان؟ نیستن؟
چی گفتی بهشون؟
واقعا مشکلی ندارن؟

دوآن جیاشو،

واقعا خوشحالم!



آره.



منم خیلی
خوشحالم.




اهم.




دوآن
جیاشو،

از همین الان،
رسمایه دوره جدید
توی زندگیمون رو
شروع کردیم.



هیچ کس نمی تونه
به خاطر گذشته ت بهت
بگه که به اندازه کافی
خوب نیستی.



تو بهترینی!



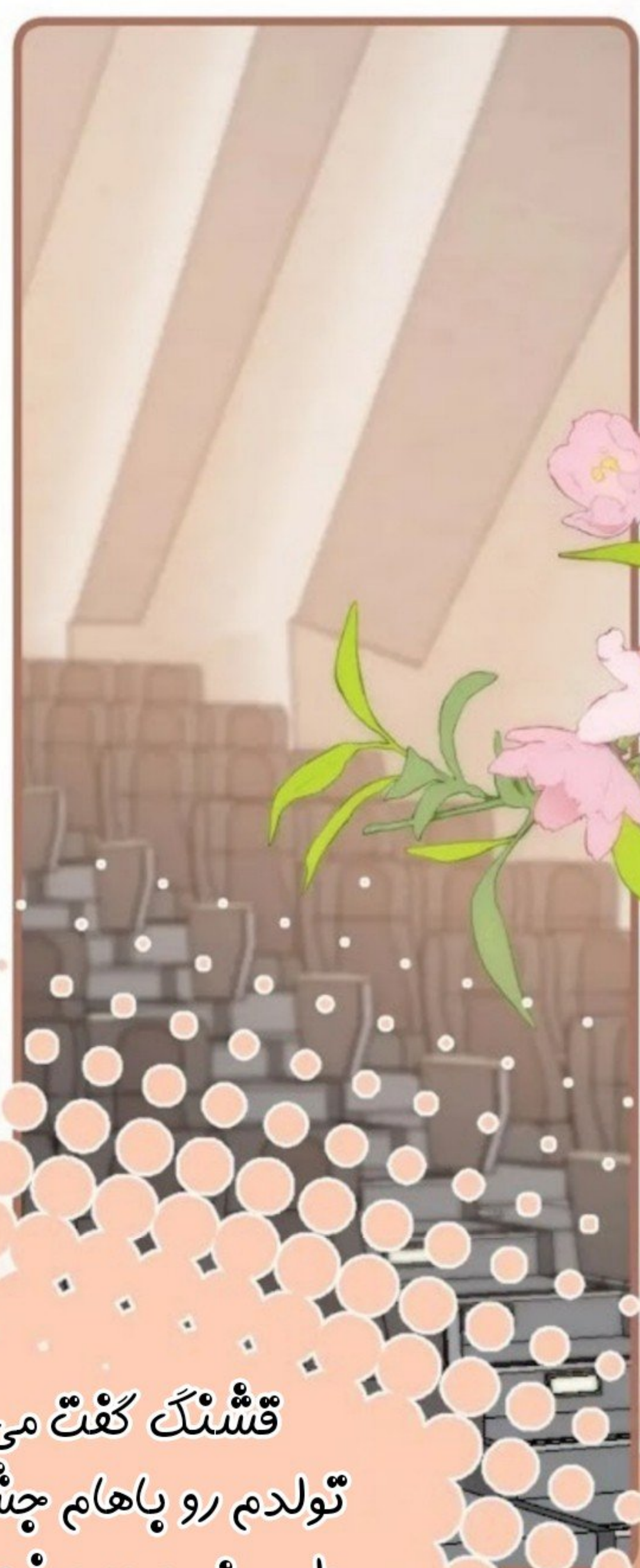
تتااید قبلا بدتتانس بودم.

ولی الان فکر می کنه
خیلی آدم خوننتتتانسیم.

بعد از اون دوان جیانتو،
توی استودیو درگیر بود،

و سانگژی هم با
مدرسه منتغول بود.

چند روز گذشت، تا بالاخره بازی ای
که سانگژی طراحی کرده بود
یه جایزه برد....



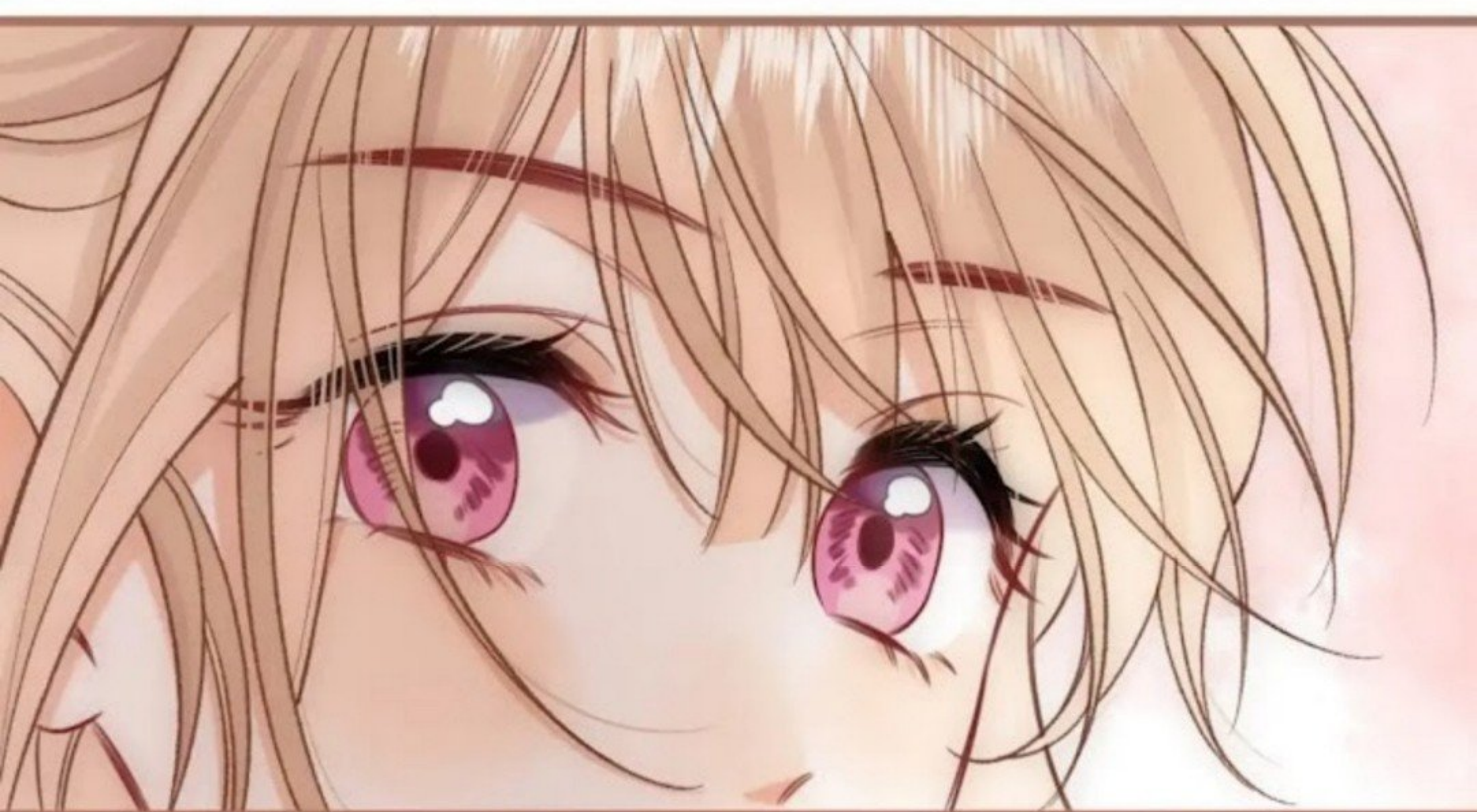
قشنگ گفت می خواد
تولد من رو باهام جشن بگیره
ولی من رو پیچوند. با اینکه
می دونم چقدر سرش شلوغه
ولی باز هم ناراحت
شدم.

همف، ده دقیقه صبر
می کنم بعد جوابش رو
میدم. که بفهمه چقدر
پی معلی بده.

سانگژی اون
طرفت رو نگاه
کن.

خوشتیپ
نیست؟





داره میاد طرف ما؟



وای! انگار واقعا داره میاد.
داره میاد اینجا....





مادام، به
گوشیتون نگاه
می‌کنین؟



انگار دوست
پسرتون منتظرتونه.



این دیگه
چی بود؟



این پسر خوشگله
فقط اومد اینجا
اذیت کنه؟
چقدر...

ولی خب منطقیه. از تیپ و قیافه‌ش
معلومه از اون پسرهای دختر بازئه.
تیش، تاحالا از این بشر آشغال‌تر

و بی ادب تر ندیدم.



...

چیہ؟

اون...
دوست پسر
بود.

وقت سوال
جواب دادف.

سوال. آله یه نظر ارجع به دوست پرتون
این جورک حرف بزنه شما چی کار می کنین؟

الف. می گئی نه!

ب. ساکت می مونی.

ادامه دارد....

سلام

این فایل که هم‌اکنون خوندید،
توسط تیم بزرگ تلگرامی

AOISEKAI

ترجمه و ادیت شده و برای شما
و بقیه افرادی که به مانهوا
خوندن علاقه دارن آماده
شده.

تیم آئویی سکای فقط و
فقط در تلگرام فعالیت میکند.

اگه این فایل توی رویکا، سروش،
ایتا، اینستا و بقیه پیام‌رسان‌های داخلی و
خارجی گذاشته شده و دارید میخونید،
بدونید بدون اجازه‌ی تیم ما گذاشته شده
و این کار دزدی محسوب میشود و به
هیچ عنوان ما راضی نیستیم.
فقط و فقط ما رو از طریق کانال تلگرامی
زیر دنبال کنید و مارو حمایت کنید:



[HTTPS://T.ME/AOISEKAI](https://t.me/AOISEKAI)

偷偷藏
Hidden Love